

قلمروکشای خون پوست!!

چنگیزخان مغول بزرگترین پادشاه کشور مغولستان محسوب می شود. او که بیشتر قبایل ساکن در مغولستان را با خود متحد کرد و در جهانگشایی های خود تمامی جغرافیای آسیا را به تصرف درآورد، باتشکیل یک امپراتوری بزرگ، مرز قلمروی خود را از چین تا روسیه گسترش داد. نام چنگیزخان و حمله او به ایران، با تاریخ این کشور پیوند خورد و جانشینان وی سلسله ای با نام ایلخانان مغول در ایران تشکیل دادند که تا ظهور تیمور گورکانی برای همی بود. به عبارت ساده تر وی عطش سیری ناپذیر مفرطی درباره گشاییدن در همه کشورها به روی خودش داشت!

برای همین زحمات بیش از اندازه است که برای مغولان، او اولین و آخرین امپراتور است؛ مردی که اقوام ازهم پاشیده شمال دیوار چین را به هم پیوند داد و بزرگترین امپراتوری تاریخ جهان را ساخت. نام او در تاریخ، با وحشیگری، خون ریزی و کشتار انسان ها گره خورده است. برخی مورخان، چنگیزخان را مسئول قتل بیش از ۴۰ میلیون نفر می دانند؛ آماري که البته چندان دور از واقع نیست!

یک بار یکی از او پرسید که وقتی همه را می کشی، می خواهی بر چه کسانی حکومت کنی؟ چنگیزخان هم که برخلاف تصورات فردی بسیار دانا و حاضر جواب بود، سریع جواب آن مرد را داد و جسدوی را هم سریع دفن کرد و از آن به بعد هیچ کس درباره زحمات شبانه روزی چنگیزخان بابت قتل عام همه مردم روی کره زمین از او سوالی نکرد!!

می گویند یک بار چند بازرگان مغولی را لب مرز ایران کشتند. حال این که چه رفتاری کرده بودند که به قتل رسیدند، کسی چیز خاصی برکاغذ نیاورده است. همین بهانه شد تا چنگیزخان پس از تسخیر چین، یک حمله کوچکی هم به ایران داشته باشد؛ حمله ای که نهایتا به قتل چندصد هزار نفر منجر شد و چندین کتابخانه سوخت و خلاصه اتفاق را هم آن زیرک به خوبی در چند جمله گفت که: آمدند و کُندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند.

زیادی در دست نیست؛ زیرا در آن زمان قوم مغول در گمنامی به سر می بردند و با فرمانروایی چنگیز، آوازه آنها بلند شد. بعد از اینکه تموچین، چنگیزخان شد، برای زندگی او روایت هایی افسانه ای ساختند که از جمله آنها وجود لکه خون در دست او هنگام تولد بود. با این حال، در برخی نسخ خطی و غیرخطی آورده اند که او دوران خردسالی بسیار سختی داشت و در ۹ سالگی، پدرش یسوکای را از دست داد؛ یعنی رقبای یسوکا، با مسمومیت، او را از دست خانواده اش درآوردند!! چنگیزخان - که باز یادآوری می کنیم همان زمان نامش تموچین، به معنای آهنگر بود- از آن پس روزگاری سخت را از سرگذراند؛ در این زمان تموچین و خانواده او توسط دشمنان در «دره انون» رها شدند تا در اثر سختی جان دهند. زندگی در این دره برای آنها بسیار سخت می گذشت. تموچین مجبور شد از راه شکار زندگی خانواده خود را تأمین کند تا زنده بمانند. در همین دوره بود که روحیه خشن و جنگ طلبانه او به واسطه مبارزه برای بقا رشد کرد. مادر تموچین با نام «هوالون اوجین»، او را برای به دست گیری فرمانروایی مغولان ترغیب می کرد و مربی اصلی او برای دستیابی به این هدف بود. البته او پسر واقعا آرامی بود و خیلی هم حرف گوش کن! فقط معلوم نیست چرا مشهور است که او در نوجوانی، برادرش را به خاطر غذا، کُشت!

آن گندهلات چین و ماچین، آن نوه قوبلای خان معروف به تموچین، آن سردار جنگی که همه قبایل را متحد ساخت و با همه مدل ساخت و پاخت کار یک جهان را به تنهایی ساخت، آن وحشی خونریز، فرزند یسوکای بهادر، جناب چنگیز. وی خان مغولان بود و سرسلسه حکومت شان و به اندازه ای خون مردم رادر شیشه کرد که سازمان انتقال خون دوران او بی نیاز از کمک های مردمی شد.

آورده اند که رئیس قبیله قیات و نیرون در حوالی سال ۱۱۵۵ میلادی فرزندی به دنیا آورد که ای کاش نمی آورد. اسمش را تموچین گذاشت و تا ۵۳ سالگی هم این فرزند با همین نام شناخته می شد ولی یک روز از خواب بلند شد و دید اسمش به اندازه کافی لرزه بر اندام دیگران نمی اندازد برای همین دنبال اسم خفن تری گشت و عاقبت خودش را چنگیز نامید. حالا شاید به خاطر این که خون جوانان ما می ریخته از چنگ او اسمش چنگیز شده باشد ولی برخی هم معتقدند این یک اسم مغولی است به معنی «پادشاه قوی» یا «پادشاه پادشاهان».

از ابتدای زندگی وی اطلاعات



برگ سبز و برگ کمپانی و برگ سوز سوارای حاج یک پژو
سیستم شهاب تیپ ۲۶۱۲ مدل ۱۳۸۲
رنگ زرد روغنی با شماره موتور 000844
و شماره شاسی 96821993 و شماره پلاک
۱۷ ع ۵۲۹ ایران ۴۶ به نام یاسمن کمالی دهقان
مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

دفترچه و برگ انتقال قرارداد شماره ۷۰۸۶ مورخ
۱۳۸۰/۰۵/۲۰ مربوط به واحد مسکونی شماره ۷۰۸۶
واقع در تهران، بلوار ارتش، شهرک کوثر، برج ۷، طبقه ۸
واحد ۶ متعلق به حسین خیاط فرزند یوسف
با کد ملی ۰۶۵۲۵۷۱۹۶۴ با آرم و نشان شرکت آتی ساز
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت اول)
گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب مانده معمریان فرزند اسمعیل
دارنده شماره ملی ۵۷۹۹۷۶۵۴۹۴ شماره از بهشهر متولد ۱۳۶۱
در مقطع کارشناسی پیوسته صادره از دانشگاه آزاد اسلامی بابل
به شماره تأیید سازمان مرکزی ۱۳۸۴۱۵۶۰۳۱۷ به تاریخ
۱۳۸۵/۱۲/۱۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد از بابتده تقاضا
می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل ارسال نمایند

سند کمپانی و برگ سبز سوارای حاج یک پژو
206TU3 مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید شماره موتور
165A0214144 شماره شاسی
NAAP03EE0NJ313869 به شماره پلاک
۹۲۸ و ۷۷ ایران ۴۶ به نام یاسمن طوافی
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شماره تلفن پذیرش
۴۹۱۰۵۰۰۰

امور آگهی های
روزنامه جام جم